



«دوانی»، فیلسوفی که عرفان را از شک و تردید میرا ساخت

دوانی با نقل حدیثی از پیامبر، عقل اول را با ذات محمدی یکی می‌داند، او به سه علم فلسفه، عرفان و کلام اهمیت می‌دهد و سرانجام عرفان را از فلسفه به نبوت نزدیکتر می‌داند.

دوانی با نقل حدیثی از پیامبر، عقل اول را با ذات محمدی یکی می‌داند، او به سه علم فلسفه، عرفان و کلام اهمیت می‌دهد و سرانجام عرفان را از فلسفه به نبوت نزدیکتر می‌داند.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، علامه جلال الدین، محمد بن سعدالدین دوانی صدیقی معروف به علامه و محقق دوانی سال‌های 830 تا 903 هجری است.

در «دوان» از قریه‌های کازرون که پدرش در آنجا منصب قضا داشت زاده شده است، تحصیلات را نزد پدر و اساتید دیگری چون قوام الدین کربالی، محیی الدین کوشکناری و حسن شاه بقال که همگی از شاگردان سید شریف بودند، ادامه داد.

در شیراز مدرس مدرسه‌الایتام شد و سپس شهرتش فراگیر شد. دربار حسن بیگ خان بهادر فرمانروای ترک آن روز بین النهرین و ایران به او منصب قاضی القضاة داده است.

خواجه نصیر طوسی سنت علوم فلسفی را در دوره مغول احیا کرد و دوانی در دوره خویش، با نوشتن شرح هیاکل النور مکتب سهروردی را احیا کرد. او در حیات و ممات خویش جنجال علمی به پا کرد. به طوری که در زمان حیات وی، شیراز که مرکز ثقل علوم فلسفی بود، میعادگاه دانشجویان خراسان، آذربایجان، کرمان، بغداد، روم و ترکستان شده بود. بعد از او کتاب‌هایش مورد نقض و ابرام نویسندگان قرار گرفت.

شاگردان او عبارت‌اند از جمال‌الدین محمد استرآبادی، امیرحسین یزدی شارح کتاب الهدایة، جمال‌الدین محمود شیرازی، کمال الدین حسینی آری و شیخ منصور باغنوتی. او در آغاز سنی و پیرو طریقت اشعری بود سپس شیعه شد و نورالهدایة را نوشت و در آن تشیع خویش را اعلام کرد. او ما را سبب ترویج علم می‌دانست و این شعر منسوب به اوست:

مرا به تجربه معلوم شد در آخر کار/ که قدر مرد به علم است و قدر علم به مال

میان او صدرالدین دشتکی مناظراتی رخ داده است و این مناظرات سخت موجب شده است بیشتر آثار دشتکی در رد نظریات دوانی تدوین یابد.

*تألیفات

بروکلمان هفتاد اثر برای او برشمرده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: رساله فی اثبات الوجود، الحاشیة القدیمة فی شرح التجرید، شرح هیاکل النور، حاشیه بر تهذیب المنطق، حاشیه بر شرح مطالع، حاشیه بر شرح عضدی، حاشیه محاکمات جرجانی و ...

*علم اخلاق

او اخلاق ناصری را از جهت آیات و روایات و آمیخته کردن آن با اشراق، تصحیح و تکمیل کرد. او برخلاف ابن مسکویه، غایت قصوی را سعادت نمی‌داند بلکه خلافت الهی می‌داند و پایگاه اخلاقی انسان را خدا می‌داند، زیرا انسان نه فرشته است و نه حیوان، بلکه حد وسطی بین این دو است. انجام خلافت الهی نیز رسیدن به حکمت الهی است: و من یوتی الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً؛ و هر که را به حکمت و دانش رساند، درباره او رحمت و عنایت بسیار فرمود.

این حکمت از طریق بینش عقلانی و شهود عرفانی قابل دسترسی است و فیلسوف و عارف از دو راه به یک هدف می‌رسند.

*فلسفه و الهیات

جهان شناسی دوانی را همانند فلاسفه پیش از او، صدور تدریجی عقول عشره و افلاک نه گانه تشکیل می دهد. ولی دوانی با نقل حدیثی از پیامبر، عقل اول را با ذات محمدی یکی می داند. او به سه علم فلسفه، عرفان و کلام اهمیت داده و به تعارض آنها با اسلام اشاره می کند. ولی سرانجام عرفان را از شک و تردید مبرا می داند چرا که لطف الهی را شامل حال اهل عرفان می داند و از این رو عرفان را از فلسفه به نبوت نزدیک تر می داند.